ZENDEGI-SALAM
ضمیمه روزنامه خراسان
دوشنبه • ۱۶ اردیبهشت ۱۳۹۸
• ۶ می ۲۰۱۹
شماره ۲۰۰۹۱
۱۳۱۴

زندگی سلام

حاشیه‌نگاری‌های خواندنی از سفر به جمهوری چک و سبک زندگی جالب مردمش

پراگ زیبا و مردمی که انگلیسی بلد نیستند!

دکتر مریم ذاکری

پرونده

اولین بار آگوست ۲۰۱۵ بود که به همراه جمعی از دوستان و برای کنفرانسی علمی سوار بر قطار از جنوب غربی آلمان با طی مسافتی حدود ۱۱ ساعته راهی پراگ شدیم. پراگ آن‌چنان ما را جذب کرد که نه تنها سفر سه روزه‌مان را به مدت هفت روز تمدید کردیم بلکه در دو سفر بعدی به شهرهای استراوا و برنو هم سر زدیم. سفر به جمهوری چک که بیش از ۱۰ میلیون نفر جمعیت دارد، خاطراتی به یاد ماندنی را برایم رقم زد که هیچ‌گاه از ذهنم پاک نمی‌شود. شاید شما هم با من هم نظر باشید که هنوز در ذهن بسیاری از ما ایرانیان، کشور جمهوری چک و کشور اسلواکی از هم مستقل نشده‌اند و آنان را به عنوان چکسلواکی می‌شناسیم. این کشور که زادگاه بزرگانی همچون کافکا، فروید و کوندراست، از قرن ۱۷ میلادی تا پایان جنگ جهانی اول تحت سیطره امپراتوری اتریش-مجارستان قرار داشت. با پایان یافتن جنگ و سقوط این امپراتوری، سرزمین‌های تحت تسلط آن به کشورهای مستقلی تقسیم شدند. یکی از آن‌ها کشور چکسلواکی بود که در زمان جنگ جهانی دوم به تصرف ارتش نازی در آمد اما تا سال ۱۹۶۸ با ساختار سیاسی مشترک به حیات خود ادامه داد. پس از قیام ملی موسوم به بهار پراگ این کشور به دو هسته خودمختار با سیاست خارجی مشترک تبدیل شد و در نهایت در سال ۱۹۹۳ چکسلواکی به طور رسمی منحل شد و کشور چک با حکومت جمهوری پا به عرصه سیاست بین المللی گذاشت. در پرونده امروز، علاوه بر خواندن یک خاطره جالب از هم کوپه شدن با یک آمریکایی در جمهوری چک با ویژگی‌های بارز معماری، سوغات، حمل و نقل و ... در این کشور متفاوت آشنا خواهید شد.

اوضاع عجیب چک تا زمان رهایی از کمونیسم

از سال ۱۹۴۸ تا ۱۹۸۹ این کشور تحت تسلط بلوک شرق، شوروی و شاخه‌ای اقتدارگرا از حزب کمونیسم بود. در تمام این دوران، مردم این منطقه از بسیاری از حقوق اولیه انسانی محروم بودند. تفتیش عقاید و جست‌وجوی ناگهانی منزل و محل کار امری عادی به حساب می‌آمد. روشنفکران جامعه به کارهای پست همچون جاروزدن خیابان‌ها و تمیز کردن شیشه‌ها گماشته و ثروتمندان، مالکان مزارع و کارخانجات مجبور به ترک محل سکونت خود می‌شدند تا در اقامتگاه‌های دولتی اسکان داده شوند و زمین‌های زراعی و کارخانجات آن‌ها به نفع دولت مصادره می‌شد. هزاران نفر به جرم خیانت، بدون محاکمه اعدام می‌شدند و خانواده‌های آن‌ها تحت خشونت و بدرفتاری قرار می‌گرفتند و از حقوق شهروندی خود محروم می‌شدند. خرید یک دستگاه اشکودا که خود روی ملی چک به حساب می‌آمد، از هنگام ثبت نام تا زمان تحویل بعضاً تا ۱۸ سال به طول می‌انجامید. خروج از کشور بدون مجوز، امری غیرقانونی بود. مقصد و زمان سفر توسط دولت تعیین می‌شد و این احتمال وجود داشت که هر کدام از اعضای یک خانواده در زمانی متفاوت به کشوری متفاوت فرستاده شوند تا هر گونه احتمال فرار به حداقل برسد. جالب است بدانید فرایند صدور این مجوزها به قدری زمان‌بر بود که بعضی از آن‌ها سال‌ها پس از مرگ متقاضی به دست خانواده‌اش می‌رسید. این وضعیت تا سال ۱۹۸۹ ادامه یافت و سرانجام در این سال با برگزاری انتخاباتی آزاد، حزب کمونیسم شکست خورد.

قوانین جالب حمل و نقل در جمهوری چک

با گذشت سال‌های زیاد از تسلط کمونیسم و جایگزین شدن آن با اقتصاد آزاد و خصوصی‌سازی، رفته‌رفته اختلاف طبقاتی مردم در جمهوری چک افزایش یافته است. اگرچه با اعمال سرویس‌های سوسیالیستی و نظام‌های پرداخت مالیات، بیشتر مردم سطح زندگی متوسطی دارند اما در عبور از خیابان‌های پراگ از اشکوداهای نه چندان با کیفیت به جا مانده از دوران کمونیسم که شبیه لاداهای روسی هستند تا لیموزین‌های ۱۵ متری که مهمانان ویژه را جابه‌جا می‌کنند، به‌وفور به چشم می‌خورند. افزون بر خودروهای شخصی، ایستگاه‌های مترو، تراموا و اتوبوس‌های شهری تقریباً در تمام نقاط شهر دیده می‌شوند. برای استفاده از آن‌ها می‌توان بلیت‌های تک‌سفره، روزانه یا هفتگی تهیه کرد. هیچ کس در هنگام سوار شدن به این وسایل نقلیه عمومی، مسئول چک کردن بلیت مسافران نیست بلکه بازرسان به‌طور تصادفی و با لباس شخصی بلیت برخی مسافران را چک می‌کنند و در صورت ارائه نکردن بلیت، جریمه‌ای تا ۴۰ برابر مبلغ بلیت را دریافت می‌کنند. یکی از شاخص‌های توسعه در پیشبرد صنعت یک کشور خطوط راه آهن است. جمهوری چک با وسعتی حدود ۷۹ هزار کیلومتر مربع، حدود ۱۰ هزار کیلومتر ریل راه آهن دارد که افزون بر حمل و نقل مسافر برای جابه‌جا کردن مواد اولیه جهت مصارف صنعتی استفاده می‌شود.

یک مهاجر آمریکایی در پراگ از تمایلش برای سفر به ایران می‌گوید

رابرت، پیرمردی آمریکایی و حدود ۸۰ ساله است. برای رسیدن به پراگ با هواپیما از سانفرانسیسکو به بازل رفته سپس قطاری ارزان قیمت را سوار شده است تا ۱۴ ساعت بعد مسیر حدود ۷۰۰ کیلومتری را طی کند و به پراگ برسد. در کوپه نه چندان مدرن خطوط راه‌آهن آلمان روبه‌روی هم نشسته‌ایم و هیچ کدام از سر و صدای قطار خواب‌مان نمی‌برد. سر صحبت را باز می‌کند. انگلیسی را با لهجه آمریکایی غلیظ صحبت می‌کند، درست مثل این که کلینت ایستوود توی فیلم خوب، بد زشت حرف می‌زند. بعد از این که می‌فهمد ایرانی هستیم برای چند لحظه سکوت می‌کند و از پنجره قطار بیرون را نگاه می‌کند. تصور اولیه‌مان این است که بازتاب اخبار ایران در مجامع بین‌المللی او را به سکوت واداشته است اما بعد از چند ثانیه می‌گوید که خیلی دلش می‌خواهد روزی بیاید و اصفهان و شیراز را از نزدیک ببیند و خدا را چه دیدی شاید یک روزی بیاید. او بعد از بازنشستگی، خانه و زندگی‌اش را در سانفرانسیسکو رها می‌کند و سالی شش ماه به پراگ می‌آید. آن جا کنار خیابان «ماندولین» می‌نوازد و مردم در کیسه‌اش پول می‌ریزند. آهی می‌کشد و چندین بار تکرار می‌کند: «پراگ زیبا، پراگ زیبا، پراگ زیبا!» از میان تمام شهرهایی که در گوشه و کنار دنیا دیده پراگ را طور دیگری دوست داشته و بار دومی که به آن جا آمده، سه ماه در یک هتل مانده و همسرش تنها به آمریکا بازگشته است. می‌گوید: مردم در پراگ از ته دل می‌خندند و زندگی جریان دارد. از کار زیاد خسته نمی‌شوند و بعد از ظهرها می‌زنند بیرون، صدای ماندولینش را دوست دارند و سخاوتمندانه توی کیسه‌اش پول می‌ریزند. کتابچه آموزش زبان چکی را نشان می‌دهد و می‌گوید: «چقدر خوشبختید که زبان مادری‌تان انگلیسی نیست! این طوری تا آخر عمرتان مجبور می‌شوید زبان دیگری را بیاموزید.» بعدش هم می‌خندد و اضافه می‌کند: «من بدبخت را بگو که در دهه هشتم زندگی تازه تصمیم گرفته‌ام یکی از سخت‌ترین زبان‌های دنیا را یاد بگیرم، این همه حروف ساکن پشت سر هم را آدم نمی‌داند چطور باید تلفظ کند؟» قبل از این که به مقصد برسیم از او می‌پرسم: «چرا همسرت را با خودت نمی‌آوری؟»، با صدای بلند می‌خندد و پاسخ می‌دهد: «در تمام عمر زندگی مشترکمان، دلش می‌خواست طلاق بگیرد! از زندگی با یک نظامی آمریکایی که تاکنون آدم‌های زیادی را کشته، خسته شده بود، خوب این طوری من هم به او حق انتخاب می‌دهم، لااقل شش ماه از سال می‌تواند مطلقه باشد!»

معماری چک، پنجره‌ای رو به تاریخ این کشور!

اگر در میان بخش قدیمی شهرهای جمهوری چک پیاده‌روی کنید، پاداش‌تان خیابان‌هایی با سنگفرش‌های مرتب، پل‌های زیبای تزیین شده با مجسمه‌ها و تندیس‌های سنگی، ساختمان‌هایی با نماهای یک شکل پیروی سبک معماری گوتیک، برج‌های شگفت‌انگیز و قلعه‌های مسحورکننده قرون وسطایی است. ساختمان‌ها در این خیابان‌ها عموماً پنج یا شش طبقه با نماهایی به رنگ روشن و ساخته شده از سنگ هستند. نماهای هماهنگ و شیروانی‌های قرمز، منظره‌ای چشم‌نواز برای آنان که از بالا، شهر را به نظاره نشسته‌اند، پدید آورده است. بسیاری از ساختمان‌های پراگ از اوایل قرن ۱۷ تا اواخر قرن ۱۹ ساخته و در سال‌های بعد با همان کیفیت بازسازی و قابل سکونت شده‌اند. بیشتر این ساختمان‌های ۴۰۰-۳۰۰ ساله امروزه مجهز به آسانسور هستند. جالب است بدانید که عمر بعضی از این آسانسورها که هنوز هم با درهای بسیار سنگین آهنی قابل استفاده‌اند به ۱۰۰ سال می‌رسد. در کنار این بناهای تاریخی و کلاسیک، معماران مدرن هم دست از خلاقیت نکشیده‌اند. «ساختمان رقصان» بنایی است که از نظر ظاهری و نمای خارجی همچون اسمش رقصان به نظر می‌رسد. این ساختمان واقع در محل خانه‌ای است که در اثر بمباران در روزهای پایانی جنگ جهانی دوم تخریب شد و به عنوان مرکزی فرهنگی و اجتماعی و نماد صلح و امید ساخته شده است.

ارزش بالای کریستال‌های خوش‌تراش چکی

مفهوم بازار در جمهوری چک با آن چه در اروپای غربی دیده‌اید، متفاوت است. در عبور از کوچه‌های بخش قدیمی شهر پراگ، مغازه‌های کوچکی مشاهده می‌کنید که صاحبان آن‌ها مشغول تراش دادن سنگ‌های تزیینی و ساخت کریستال‌های معروف چکی هستند. در عبور از این بازارچه‌های زیبا و تودرتو می‌توانید افزون بر ظروف کریستال، جواهرات و سنگ‌تراشه‌های ساخت دست هنرمندان چکی را با قیمت‌هایی بین یک تا چندین هزار کرون خریداری کنید! هر چند بازار صنایع دستی چک نیز مانند صنایع دستی کشورمان در تصرف کالاهای ارزان و بی‌کیفیت چینی درآمده اما هنر دست شیشه‌تراشان چکی اصالت خود را حفظ کرده است. بازار ظروف کریستال ساخت چک در کشور خودمان هم گرم است و خریداران گاهی مبلغی تا چند برابر کریستال‌های وطنی یا چینی برای آن‌ها می‌پردازند.

پراگ، شهری برای زندگی در شب!

شهر پراگ، پایتخت و بزرگ‌ترین شهر جمهوری چک است. این شهر ۱/۴ میلیون نفر جمعیت دارد و از نظر وسعت چهاردهمین شهر اتحادیه اروپاست. آب و هوای معتدل، رودخانه زیبای ولتاوا در میانه شهر، جنگل‌های سرسبز در فاصله چند کیلومتری، معماری زیبا و دلپذیر و درآمد سرانه بالاتر، کیفیت زندگی را در این شهر نسبت به دیگر شهرهای جمهوری چک افزایش داده است. بر خلاف دیگر پایتخت‌ها و شهرهای بزرگ اروپایی که با تاریک شدن هوا، خالی از جمعیت می‌شود و سکوت سراسر شهر را فرا می‌گیرد، بسیاری از مردم پراگ نیمه شب تصمیم می‌گیرند به خیابان بیایند و از زندگی شبانه شهر لذت ببرند. افزون بر رستوران‌ها، کافی شاپ‌ها، سالن‌های سینما و تئاتر، اپرا و باشگاه‌های موسیقی، فروشگاه‌های موادغذایی و میوه‌فروشی‌ها هم تا نیمه‌شب مشغول خدمت‌رسانی به مشتریان‌شان هستند. یکی از دلایل زندگی شبانه در پراگ امنیت بالای این شهر است. نرخ پایین جرم و نداشتن درگیری‌های داخلی و بین المللی باعث شده است تا شاخص جهانی صلح در سال ۲۰۱۶، این کشور را از لحاظ امنیت در جایگاه ششم جهان قرار دهد. از سال ۱۹۸۹ مدارس این کشور مجاز به آموزش زبان انگلیسی شدند و پیش از آن به دلیل تسلط شوروی آموزش زبان روسی در مدارس اجباری بود. به همین دلیل بسیاری از افراد مسن این کشور بر خلاف دیگر کشورهای اروپایی، همچون سوئیس و آلمان قادر به انگلیسی صحبت کردن نیستند.